

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

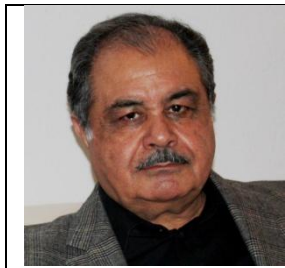
www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي و نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني: آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



داکتر اسدالله «حبيب»

تاریخ نشر: 20 دسمبر 2015 م

نکته های از دستور زبان

بخش « ۲۰ »

قید و پساوندهای قید ساز:

قید در کاربرد اجتماعی بند و شرط را می گویند. قید فلان کس برآمد. یعنی حکم زندانی شدنش صادر شد. از قید خلاص شد، یعنی از زندان رها شد. در اصطلاح علم قافیه حرف ساکن پیش از روی را می گویند. و در اصطلاح دستور زبان واژه یی را می گویند که وقت، جای و چگونگی کنشی را روشن می سازد. اگر بگوییم جمشید امروز اینجا بسیار کارکرد. امروز قید زمان، اینجا قید مکان و بسیار قید حالت است. همچنان قیدها با پساوندهایی ساخته می شوند، از این شمار:

۱- وار، مانند برادر وار، بیگانه وار، دیوانه وار و در شعر هم کاربرد زیاد دارد. مانند: نفس وار، قطره وار، ناله وار و یک گره وار در این بیتهای بیدل:

**نفس واری مگر دردل خزد امید آسودن
که زیر آسمان پیدا نشد جا هیچ جا ما را**

چون در زیر آسمان، در این دنیا، هیچ جای آسایش نیست، امید ناباورده آسودن ناگزیر است مانند نفس در دل بماند.

خاطرت گر جمع شد از هردو عالم فارغی

قطره واری چون گهر زین بحر بی پایان برآ

خاطر جمعی همانا به معنای فارغ بودن از هردو جهان است، همان گونه که گهر که در اصل قطره یی است که بحر را رها کرده است، تو هم از این دنیا همان سان خود را آزاد بساز.

نالہ واری سر زجیب دل برون آورده ام شعلة شوقم مبادا یا س بنشانی مرا

سینه که خاستگاه ناله است ، گریبان دل نامیده شده است . شاعر خود را شعلة شوق می شمارد که خاستگاهش مانند ناله سینه یا گریبان دل است. و تو ای مخاطب یا معشوق ، نشود که التفاتی نکنی و در ناامیدی مرا خاموش بسازی .

۲- آنه ، مانند مستانه ، دوستانه ، دزدانه ، عاشقانه ، رندانه ، شبانه ، سالانه ، ماهانه ، نذرانه ، پول یا مالی که به نیت گشایش مشکلی داده می شود .
بیعانه (بیانه) ، پولی که پیش از بدست آورد مال خریده به فروشنده داده می شود .
شکرانه ، پول یا مالی که برسم سپاسگزاری به حق داران یا نیازمندان داده می شود .

**شکرانه بازوی توانا
بگرفتن دست نا توان است**

۳- اکی ، مانند : پیشکی در معاش پیشکی ، چاشتکی ، صبحکی ، روزکی ، شبکی ، شامکی ، ریشکی ، چینکی ، پیرهن تنبانکی ، خرکی (خرسوار) ، اسپکی (اسپ سوار) .
وبا واژگان پایان یافته با « ا » و « ای » پساوند گکی ، مانند هفته گکی ، پیسه گکی ، کوزه گکی ، صراحیگی ، قطیگی ، کرتیگی (کسی که کرتی به تن دارد) ، چتریگی (آنکه چتری دارد) .

ادامه دارد
داکتر اسدالله « حبیب »

بازگشت به صفحه اصلی www.said-afghani.org